



تاریخچه رادیولوژی در ایران

انتخاب و ویرایش: دکتر فریدون سیامک‌نژاد

فیزیکدان برجسته‌ای بود که گرایش اصلی تحصیل خود را به فیزیک اشعه X اختصاص داد. در سال ۱۹۲۹ م. وی اقدام به ساخت نخستین ماشین مولد اشعه ایکس در ایران کرد. در ابتدا تنها در یک مغازه مکانیکی زمان زیادی را برای تولید یک کوئل ولتاژ بالا صرف کرد و سپس توانست دستگاه تصویربرداری را که در کلینیک قابل استفاده باشد بسازد. کارگاهی که دکتر حسابی مطالعات خود را در زمینه ساخت دستگاه تصویربرداری در آنجا انجام می‌داد، زیرزمین بیمارستان گوهرشاد تهران [در برخی منابع بیمارستان سینا] بود که به جهت تولید جرقه‌های الکتریکی و سر و صدای زیاد و ترسناک ناشی از آن، کسی جرأت ورود به کارگاه مذکور را نداشت. بعدها پرفسور حسابی برادر خود دکتر محمد

در ابتدای قرن بیستم، ارتش‌های جهان به استفاده از دانش رادیولوژی در جنگ‌ها روی آوردند. نمونه آن امپراتوری عثمانی همسایه شمال غربی ایران بود که اولین بار در جنگ ترکیه و یونان (سال ۱۸۹۷ م) در تشخیص و درمان مجروحین جنگ از رادیولوژی استفاده وسیعی نمود. در خاطرات ملیجک دربار ناصرالدین شاه قاجار صحبت از دستگاهی شده که درون بدن انسان را نشان می‌داده است، گویا وی در مسافرت چهارمین پادشاه قاجار به اروپا او را همراهی می‌کرد و دستگاه رادیولوژی را در آنجا دیده بود. شادروان پرفسور محمود حسابی (۱۹۰۳-۱۹۹۲) را پیشگام کاربرد دانش رادیولوژی و نخستین سازنده دستگاه‌های رادیولوژی در ایران می‌دانند. او که در فرانسه تحصیل کرده بود، دانشمند و

حسابی را برای گذراندن دوره رادیولوژی بالینی به پاریس فرستاد و به این ترتیب دکتر محمد حسابی در این رشته فارغ‌التحصیل شد و به‌عنوان نخستین رئیس بخش رادیولوژی دانشگاه تهران، فعالیت خود را آغاز کرد.

اولین دستگاه رادیولوژی ساخت خارج با قدرت ۲۱ میلی‌آمپر که تولید کمپانی زیمنس آلمان بود، در مطب خصوصی آقای دکتر حبیب عدل، عمومی مرحوم پرفسور یحیی عدل، بنیانگذار جراحی نوین در ایران، در جنوب تهران نصب شد. در آن زمان عنوانی به نام تکنیسین رادیولوژی وجود نداشت و به همین دلیل دکتر عدل خود عکس‌ها را تهیه می‌نمود و گزارش می‌کرد. متأسفانه چون در آن زمان از وسایل حفاظت در برابر اشعه ایکس خبری نبود، دکتر عدل بر اثر تماس زیاد با اشعه X دچار بیماری لوسمی شد و بر اثر این بیماری درگذشت. پرفسور عدل در خاطراتش از مرحوم عمویش نکته‌ای نقل می‌کند که ذکر آن بی‌مناسبت نیست: «... من رشته ریاضی را تمام کردم و قصد داشتم مهندسی بخوانم چون ریاضیاتم قوی بود. دو سه ماهی آن را شروع کرده بودم که دکتر حبیب عدل عمویم مرا تشویق کرد که پزشک شوم چون معتقد بود هر که مهندسی بخواند باید کارمند دولت شود و نمی‌تواند مستقل کار کند. مرحوم دکتر حبیب عدل از نخستین کسانی است که دستگاه رادیولوژی را وارد ایران کرد.

استاد [پرفسور یحیی عدل] می‌فرمود برق آن وقت تهران، آن قدر ضعیف بود که اگر نوسانی در ولتاژ آن ایجاد می‌شد و اُفت می‌کرد می‌فهمیدیم که دکتر حبیب عدل از بیماری عکس گرفته است!^۱

در همین زمان دستگاه رادیولوژی دیگری نیز در بیمارستان ارتش در ارومیه نصب شد. پس از مرحوم دکتر حبیب عدل از نخستین پزشکانی که دستگاه رادیولوژی را برای کمک به تشخیص بیماری‌ها به ایران آوردند، باید به دکتر احمد فرهاد معتمد اشاره نمود.

«آقای دکتر فرهاد به سال ۱۲۸۱ ش. در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران در مدارس قاجاریه و دارالفنون به پایان رساند و تحصیلات عالی خود را در برلین و هایدلبرگ در رشته پزشکی انجام داد. سپس به سال ۱۹۲۷ م. از دانشگاه هایدلبرگ به دریافت دانشنامه دکترا در پزشکی و اجازه‌نامه رسمی طبابت در آلمان توفیق یافت. پس از تحصیل دیپلم دکترا، [مدت سه سال] را در رشته رادیولوژی در دانشگاه فرانکفورت به کسب دانش گذراند. او در سال ۱۹۹۳ م. به ایران مراجعت نمود و به سمت استادی فیزیک پزشکی و رادیولوژی دانشکده پزشکی تهران منصوب شد. وی هم‌چنین از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۷ م. به اروپا و آمریکا مسافرت نمود و در این مسافرت که حدود دو تا سه سال به‌طول انجامید با کلینیک‌های رادیولوژی اروپا و آمریکا و ترقیات حاصله در این رشته آشنایی یافت^۲».

بنیان آموزش علوم پایه در رادیولوژی به همت دکتر فرهاد و دکتر فریدون منوچهریان دانشیار فیزیک رادیولوژی دانشگاه نهاده شد، در حالی که اساس رادیولوژی بالینی در ایران را باید مرهون کوشش‌های دکتر فرهاد، دکتر منصور گیدفر و دکتر عباس ملکی دانست.

این نکته نیز شایان ذکر است که دستگاه‌های

رشته رادیولوژی در دانشگاه اصفهان محسوب می‌شوند.

دکتر علی‌اکبر بنکدارپور که شاید بتوان او را نخستین رادیولوژیست ایرانی فارغ‌التحصیل آمریکا به شمار آورد در سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۵ م. در بخش رادیولوژی و رادیوتراپی دانشگاه تهران به خدمت پرداخت و بنیان نخستین دوره پذیرش رزیدنت‌های رادیولوژی در سال ۱۹۷۰ م. به همت ایشان در تهران و سپس پنج دانشگاه عمده کشور نهاده شد. دوره تخصص رادیولوژی در ایران در ابتدا ۳ سال بود اما در سال ۱۳۸۴ ش. به ۴ سال افزایش یافت. لازم به یادآوری است که نخستین دوره انجمن رادیولوژی ایران در سال ۱۳۴۳ ش. توسط دکتر احمد فرهاد معتمد شروع به کار کرد و مجوز مربوط به نام خود ایشان به‌عنوان نخستین رئیس انجمن از سوی شهرداری وقت صادر شد.

از اساتید پیش‌کسوت رادیولوژی در دانشگاه تبریز باید به آقای دکتر سعید راد و در دانشگاه شیراز به جناب دکتر کریم وصال اشاره نمود.

در خاتمه، باید اشاره نماییم که نخستین بخش پزشکی هسته‌ای در ایران در بیمارستان نمازی شیراز و سپس بیمارستان شریعتی تهران شروع به کار کرد.

رادیولوژی به صورت پراکنده توسط برخی سازمان‌ها و بیمارستان‌ها مورد استفاده بوده است. از جمله این مراکز می‌توان به بهداری شرکت نفت اشاره داشت.

اهمیت فیزیک اشعه به حدی بود که نخستین متخصصان رادیولوژی به خوبی در این زمینه آموزش دیده و نخستین کرسی دپارتمان فیزیک پزشکی در دانشگاه تهران را به خود اختصاص دادند. دکتر فریدون منوچهریان که در فرانسه پزشکی آموخته بود نیز از جمله این افراد بود. او پس از بازگشت به ایران به‌عنوان دانشیار فیزیک پزشکی دانشگاه تهران برگزیده شد و به‌خاطر سابقه‌ای که در ارتش داشت به‌عنوان استاد راهنمای بخش رادیولوژی بیمارستان ارتش در تهران انتخاب شد. تدوین دو واحد درسی فیزیک پزشکی که هم‌چنان در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور تدریس می‌شود برای نخستین بار از سوی ایشان پیشنهاد شد.

از دیگر اساتید رادیولوژی می‌توان به دکتر عباس ملکی رئیس دپارتمان رادیولوژی تشخیصی انستیتو کانسر تهران، دکتر یوسف فضل‌علیزاده استاد رادیولوژی دانشگاه تهران و دکتر مهدی پزشک مهر فارغ‌التحصیل پزشکی از فرانسه که بخش رادیولوژی بیمارستان سینا را اداره می‌کرد، اشاره نمود.

دکتر ابوالقاسم بهرامی از دیگر پیشگامان رادیولوژی بالینی در ایران بود. او که متولد سال ۱۹۱۰ م. بود در فرانسه در رشته رادیولوژی تحصیل کرد و در نهایت، به استادی و ریاست بخش فیزیک پزشکی و رادیولوژی دانشگاه اصفهان رسید. ایشان به همراه دکتر نعمت‌الله کرامتیان از بنیان‌گذاران

زیرنویس

۱. موحدی، م. م. زندگینامه مشاهیر رجال پزشکی معاصر ایران (۱). مؤسسه نشر علوم و فنون. چاپ اول؛ تابستان ۱۳۷۱: ۲۲-۲۱.
۲. موحدی، م. م. زندگینامه مشاهیر رجال پزشکی معاصر ایران (۱). مؤسسه نشر علوم و فنون. چاپ اول؛ تابستان ۱۳۷۱: ۱۴۷.